ارزیابی‌ها از کیفیت کلی جشنواره «سینما حقیقت» نگران‌کننده است

چشمه مستند خشک نشود

محمدحسین سلطانی
خبرنگار

دقیقاً چرا باید مستند بسازیم؟ اجازه بدهید این پرسش نسبتاً فلسفی را به عنوان نقطه آغاز مطلب قرار بدهیم. نقطه آغازی که برای تبدیل‌کردن آن به خط روایت، ما را به سراغ طبقه هفتم ساختمان چارسو می‌کشاند. جایی که پیش‌بینی می‌شد قلب سینمای مستند ایران - و حتی با ارفاق قلب سینمای مستند منطقه - آنجا بتپد؛ جایی به نام جشنواره «سینما حقیقت». حالا زمان روشن‌کردن میکروفن و پرسیدن همان پرسش ابتدای بند است. نزدیک به ۲۵ مستند بلند و بیش از ۴۰ مستند کوتاه و نیمه‌بلند، منتظرند تا با این پرسش مواجه شوند. با نشستن روی صندلی سینما، سخنرانی‌ها آغاز می‌شود و مخاطبان «مستمع» سخنان کارگردان می‌شوند. با پایان مستند مستمعان دست‌کم جانی می‌زنند و دوباره مستند بعدی آغاز می‌شود. آنچه در سالن جریان دارد، تلاش کارگردان است برای همین پرسشی که در آغاز مطرحش کردیم. درحقیقت، پاسخ‌دادن به چرایی ساختن مستند وصرفاً آگاه‌سازی مخاطب از روایتی که کارگردان به سراغ آن رفته، بسیاری از آثار را تبدیل به یک سخنرانی رادیویی کرده. اگر بخواهیم انصاف را رعایت کنیم با حذف کلمه «همه» باید گفت؛ بسیاری از آثاری که در سینما حقیقت روی پرده قرار گرفتند، چندان اتفاق چشمگیری در تصویر نیستند. سوژه‌هایی که مهمند و حتی اگر در کوچه و خیابان و یا راهروهای دانشگاه‌ها از هرکسی درباره اهمیت آن بپرسید، بدون هیچ شکی ابروها را بالا می‌اندازند و موضوع مدنظر مستند را بسیار مهم می‌دانند. همین اتفاق در اتاق سازمان‌های سینمایی هم رخ می‌دهد. طرح‌ها نوشته می‌شوند و اهمیت آن‌ها چشم مدیران را می‌گیرند. آثار ساخته می‌شوند و تشویق‌های کم‌رمق هم از تماشاگران گرفته می‌شود. هیئت داوران هم اگر لطف و مرحمتشان شامل حال یکی از سازندگان بشود، آثار مذکور می‌توانند جایزه بهترین مستند در فلان بخش از سینما حقیقت را هم بگیرند. طبیعتاً روایتی که بیان شد، بازهم این سؤال را مطرح می‌کند که چرا باید مستند ساخت؟ برای اهمیت موضوعات؟ برای‌آنکه وقتی مخاطب از سالن سینما خارج می‌شود آنچه در سخنرانی‌های کارگردان مطرح شده را بتواند تکرار کند؟ سینمای مستند این است؟

مستمع، کارگردان را سرذوق نمی‌آورد

بیایید همین جا سر یک موضوع به توافق برسیم. در مستند، دغدغه اگر تبدیل به تصویر نشود و تماشاگر را با خود همراه نکند، به درد لای جزز دیوار هم نمی‌خورد. گفتن این جملات که «این مستند آغازی بود تا سایرین هم درباره این موضوع کار کنند» هم از کلیشه‌های محبوب مستندسازانی است که آثارشان آن‌طور که باید‌وشاید خوب از کار درنیامده و به همین دلیل، درآوردن سوژه را به سایرین حواله می‌دهند. تجربه‌ای که با شنیدن سخنان مستندسازان بیرون از سالن‌ها به دست آوردم‌ام می‌گوید؛ اگر دیدید بعد از پایان مستندی، کارگردان از اهمیت مستندش گفت، یعنی خود صاحب اثر هم می‌داند چه کاری به سر پروژه‌اش رفته که حالا دارد درباره اهمیت پژوهش می‌گوید.

یقیناً مستندسازی جلسه دفاع یک رساله نیست که بخواهیم با آن چهارچوب محتوا را به مخاطب بگوییم. در جشنواره حقیقت امسال به‌کرات مستندهایی دیده می‌شدند که با شناختن مخاطب سعی در استفاده از بیانی آکادمیک داشتند تا سوژه‌ای را زیرویزر مورد بررسی قرار دهند اما سؤال اینجاست، چگونگی فرم مورداستفاده در مستندهای اینچنینی مانند «خطاالقمر» قرار است کدام‌درد را از کدام مخاطب دوا کند؟ در مثال ذکر شده حتی اگر اهمیت سوژه بسیار هم حائز اولویت است - سوژه خطاالقمر، دلایل بروز جنگ میان ایران و عراق است - اما سؤال اینجاست، چرا باید مستند را به‌گونه‌ای ساخت که در میانه اثر، بخش مهمی از مخاطب از سالن خارج شوند. البته این مستند تنها مثالی است که اتفاقات افتاده درون آن را می‌توان به مستندهای دیگر هم مرتبط دانست. نمایش حجم عظیمی از آرشیو، نریشن‌های فراوان، دور بودن از زبان مخاطب، نبود قصه و تکراری بودن بسیاری از موضوعات مطرح شده باعث شده تا تشویق‌های پایان مستندها هیچ رمق و صدایی نداشته باشد. در میانه آثاری که در سینما حقیقت امسال روی پرده رفتند آثاری هم بودند که نمی‌شد آن‌ها را چیزی بیش از یک نمایش رادیویی دید. شاهد مثال آن را می‌توان کلیهار دانست، اثری که در تصویر هیچ نداشت و داده‌هایی را که با قابل صوتی اثر می‌شد دریافت کرد، با آنچه در تصویر و سینما دیده می‌شد هیچ تفاوتی نمی‌کرد. سینما حقیقت امسال پر بود از فیلم‌هایی که زبان انتخابی آن‌ها مخاطب عام و حتی معمول سینما را با خود همراه نمی‌کند. مستندهایی که به‌جای آنکه مخاطب را با خود همراه کنند و یا او را با دغدغه‌ها آشنا سازند، به سمت کلی‌گویی و گرفتن ژست‌های پژوهشگری می‌رفتند.

ای‌کاش وظیفه حکم به ساختن نکند

وقتی فیلمسازی و مستندسازی و هر امری که یک طرف آن نهادی قدرتمند حضور داشته باشد، پای کار هم بیایند، ناگهان هاله وظیفه خود را نمایان می‌کند. حالا بیایید و تعارض میان وظیفه و هنر را حل کنید. اینکه گران‌شدن مستندسازی کار بسیاری از مستندسازان مستقل را به دفاتر حمایتگر دولتی کشانده است که چیز تازه و جدیدی نیست اما زمانی مسئله ایجاد می‌شود که مستند صرفاً برای‌آنکه جلوی لیست برنامه‌های یک سازمان تیک بخورد، فیلم می‌سازد. در جشنواره حقیقت امسال تا بخواهید، فیلم‌هایی دیده می‌شوند که پرکننده وظایف دولتی‌هایند، مستندهایی که با موضوعات دفاع مقدس و یا شهدا ساخته شدند که بخش مهمی از آن‌ها تهیه به کار پرکردن کنداکتورهای تلویزیون می‌خورد. همین‌جا باز هم می‌توان این موضوع را تکرار کرد که مشکل از سوژه نیست بلکه مشکل از ساخت است. آنچه باعث می‌شود مستندهای بنیادهای سینمایی دولتی که موضوعاتی درباره دفاع مقدس و یا جبهه مقاومت را به عنوان محور قرار داده‌اند، نتوانند در میان مخاطبان باقی بمانند دقیقاً همین مسئله چگونگی و مشکلات و لکنت در بیان کارگردان‌هاست. البته این مسئله صرفاً حول مستندهای دفاع مقدسی پدید نیامده. در بین مستندهایی که می‌خواهند حرف‌های اجتماعی هم بزنند این موضوع پررنگ است. مستندسازانی که شاید سازمان‌ها هم حکم به ساختن مستندشان نداشته‌اند اما خام‌دستی کارگردان‌ها باعث شده تا این آثار ذیل آثار هنر و تجربه فرار بگیرند.

سینما حقیقت ما چه پررونق بود!

طراحی جشنواره سینما حقیقت که در سال ۸۶ داده شد، نظر بر این بود که مستند ایران که در جهان کم‌رمق پیش شناخته شده بود به صورت ساختارمند بتوانند، در ذیل سینما حقیقت جایی مخصوص به خودشان برای نمایش داشته باشد. ایده سینما حقیقت در همان ابتدا گرفت و با گذشت چند سال، سینما حقیقت جای خودش را میان جشنواره‌های مهم سینمایی ایران و منطقه باز کرد و تبدیل شد به محلی که می‌توان در آن خلاقیت و نکته‌سنجی را در حد اعلای آن دید. آثاری که در سینما حقیقت حائز مقام می‌شدند، رخ دادن اتفاقات مثبت برایشان در جشنواره‌های بین‌المللی حتمی بود. اگر سینما حقیقت را وبترین سینمای مستند ایران بدانیم، کیفیت این جشن باعث شد تا چند سالی نمایندگان و کاندیدهای نمایندگان ایران در جشن اسکار از برندگان سینما حقیقت باشند. لقب وبترین سینمای مستند ایران حتی در دوره‌هایی تبدیل به وبترین سینمای مستند منطقه هم می‌شد و بخش بین‌المللی جشنواره می‌توانست رنگ‌ولعابی داشته باشد که ایران را به عنوان قطب سینمای مستند منطقه جا بیندازد. در حال حاضر در بخش بین‌الملل سینما حقیقت همه‌چیز به چشم می‌آید به جز رونق. سینماهایی که برای بخش اصلی به زور پر می‌شوند، در بخش‌های فرعی جشنواره، همان تشویق‌های کم‌زور را هم ندارند.

این چراغ کمی روشن است

در میان آثار ضعیف، کم‌رمق، شعاری و گل درشت سینما حقیقت امسال می‌توان آثاری را هم دید که حال‌وهوای روزهای خوش سینما حقیقت را زنده کردند. آثاری چون شکرد، آسانسور، ضندقهرمان و حتی رؤیاباف و قاضی در زمره کارهای جشنواره حقیقت امسال قرار دارد. اگر بخواهیم ماجرا را با عدد و رقم پیش ببریم، حضور ۴ یا ۵ اثر خوب در میان ۶۷ اثر در بخش ملی سینما حقیقت، نمی‌تواند چندان آمار مثبتی را از این جشنواره به سمع و نظر مخاطبان برساند. مخاطبانی که نسلشان عوض می‌شوند و برای برقراری ارتباط با آن‌ها و در بیانی بهتر برای برقراری ارتباط مستند با جامعه نیاز به دوباره گرفتن پلان‌هایی است که در جشنواره هجدهم خوب گرفته نشده‌اند.

واقعیت زمانه‌ات را بشناس

ایمان عظیمی
خبرنگار گروه فرهنگ

هجدهمین دوره جشنواره مستند، موسوم به سینما حقیقت به نقطه پایان خودش نزدیک می‌شود و اکنون راحت‌تر می‌توان نسبت به برآیند کیفی و کمی موضوعات و سوژه‌های مطرح‌شده در آثار مستند نتیجه‌گیری کرد و به نقاط روشن و تاریک فیلم‌های ساخته‌شده پرداخت. خوشبختانه سینمای مستند ما به دلایل متعدد در جایگاه بالاتری نسبت به حوزه سینمای داستانی قرار گرفته و با ارائه موضوعات مختلف به بیننده در قالب گونه‌های متفاوت تلاش کرده غذای فکری وی را به شیوه مناسبی فراهم کند. ولی آیا ذکر این نکته که کفه ترازو در سینمای ایران به نفع آثار مستند سنگین است باید انتظارات ما به‌عنوان مخاطب جدی این فیلم‌ها را تا پایین‌تر از حد ممکن از آثار مستند کاهش دهد؟ جواب به این سؤال با توجه به وجود معیزی و همچنین امکانات نرم‌افزاری و مالی محدود نمی‌تواند یک «نه» قاطعانه باشد ولی فقدان بسیاری از سوژه‌ها در هجدهمین جشنواره سینما حقیقت برخلاف قول‌وقرارهای مطرح‌شده توسط دبیر این فستیوال جای سؤال و حتی نگرانی دارد. سال ۱۴۰۳ هم در داخل کشور و هم در خارج از مرزهای ایران آبستن حوادث زیادی بود ولی بسیاری از مستندسازان ما نسبت به این اتفاقات سکوت پیشه کرده‌اند و سراغی از این سوژه‌ها نگرفته‌اند. در گزارش پیش‌رو ضمن اشاره به کیفیت فیلم‌های به نمایش درآمده در بخش‌های مختلف جشنواره به این سؤال از زوایای مختلف و گاه مرتبط به هم پاسخ خواهیم داد که چرا مستندسازان ما روی خوشی به مسائل پیرامون و قابل دسترس‌شان نشان نمی‌دهند یا بیا قبول سفارش، سوژه‌های حساس را به بدترین شکل ممکن هدر می‌دهند؟

مستند پرتره همچنان محبوب است

تقریباً تمام ادوار گذشته جشنواره سینما حقیقت فیلم‌های پرتره و ایضاً بایوگرافیک‌ال از زندگی افراد مهم و تأثیرگذار نقشی ویژه ایفا کرده‌اند و دوره هجدهم سینما حقیقت نیز از این قاعده فاصله نگرفته است. لزوم توجه به چهره‌های شاخص ملی از این ایده نشأت می‌گیرد که در نبود نظم سیستمی منسجم و کارگشا، این افراد ثابت‌قدمند که بلاگردان دولتمردان و ساختارهای نهادی می‌شوند و عنان امور را در دست می‌گیرند و حتی در موقعیت‌های خاص با تکیه بر نقاط مثبت شخصیت خویش کارهای به بن‌بست رسیده را از این معبر تنگ و تاریک نجات می‌دهند. نمونه‌های متعدد و مهمی در این رابطه وجود دارند که در هجدهمین دوره جشنواره سینما حقیقت نیز به بخشی از نیاز مخاطبان پاسخ داده شده، برای مثال مستند «روزگار احمد» به‌کارگردانی محسن اردستانی رسنمی و «تو به کوچ عادت داشتی» ساخته امیر عسگری نمونه‌های شاخص مستندهای پرتره‌اند که به زندگی قهرمانان جنگ تحمیلی و سرداران رشید مدافع حرم و امنیت پرداخته‌اند. اما تفاوت میان این دو فیلم در چیست؟

فیلمساز در «روزگار احمد» آسان‌ترین کار ممکن را به‌ثمر رسانده، یعنی خاطره مردم ایران نسبت به شهید احمد کاظمی اگر قرار بود در یک روند خطی تبدیل به فیلم شود چندان فاصله‌ای از این فیلم نمی‌گرفت. روزگار احمد متنی خواندگانی است و هیچ نسبتی با متون نویسندگانی که فهم آن‌ها کار چندان آسانی نیست، برقرار نمی‌کند. به عبارت دیگر اثر آغدر تخت و بدون‌فرازفرود ساخته شده که بیننده جز تماشای سوژه اصلی، یعنی حاج احمد کاظمی و حتی سردار سلیمانی هیچ ارزش افزوده‌ای را که از دل اثر برآمده باشد در این فیلم پیدا نمی‌کند. اردستانی با سانتیمانتال کردن روایت از بیننده اشک و آه طلب می‌کند؛ ایرادی هم ندارد ولی این اشک باید برآمده از سوژه باشد و به اصالت آن خدشه‌ای وارد نشود اما فیلمساز با اشاره گاه و بی‌گاه به فرازهای احساسی زندگی شهید کاظمی، زیست او به‌عنوان یک مدیر چندبعدی و همفن‌حریف را در حاشیه نگه می‌دارد و از او صرفاً یک شخصیت عارف به بیننده ارائه می‌دهد. البته جای شکرش باقی است که اردستانی برای روایت شیوه مدیریت جهادی سردار احمد کاظمی همچون فیلمنامه‌نویس و کارگردان فیلم سینمایی «احمد» - که در جشنواره فجر سال گذشته در بخش مسابقه به نمایش درآمد- قائل به نقش غرض نیست و «شهید» را آنگونه که نیست روایت نمی‌کند. گرچه همانطور که در ابتدا اشاره کرد به فهم تماشاگر نسبت به این قهرمان اضافه هم نمی‌کند. مستند «تو به کوچ عادت داشتی» اما با اشاره به دوران شکل‌گیری شخصیت سردار قاسم سلیمانی از کودکی تا جوانی اشاره مهم و درستی به این کارآگیر بالاهمیت و تأثیرگذار تاریخ انقلاب اسلامی انداخت و سعی نکرد با اضافی‌ای بیش از حد پولش فیلم بیندازد و به هر ایده‌ای که ممکن است فکر فیلمساز به آن برسد ناخنک بزند و خرابش کند.

مستندهای «فاطمی» و «رخ» هم دیگر آثار مهم جشنواره بودند که در بخش مسابقه آثار بلند به نمایش درآمدند و هریک به چهره‌های ماندگار عرصه سیاست و هنر ایران پرداختند. سام کلانتری؛ در مستند «رخ» به زندگی «علی‌اکبر صادقی»، نقاش برجسته معاصر پرداخت و روالی غیرمعمول را در روایت قصه زندگی این هنرمند دستاویز خویش قرار داد. «رخ» بر خلاف روند مألوف مستندهای پرتره، با نشاندن صادقی در میانه قاب و ایجاد یک ساختمان درامانیک از چهارچوب معمول این آثار فراتر رفت و حاشیه امن مخاطب را نیز برهم زد. مستند فاطمی، به‌کارگردانی امیرحسین سیاح اما آورده به‌خصوصی برای بینندگان خود نداشت و با نشاندن افراد مرتبط با دکتر فاطمی، وزیر امور خارجه محمد مصدق در جلدی دوربین سعی در معرفی فاطمی به‌عنوان چهره‌ای پیشران در قضیه ملی شدن صنعت نفت داشت که موفق هم نشد، چون به‌جای تحقیق در مورد این شخصیت کلیدی در سوژه خود حل نشده بود و نتوانست آنطور که شایسته است غبار از چهره دکتر فاطمی بزداید. ما همیشه عنوان می‌کنیم نسل جدید شیفته دانستن است ولی برای انجام این مهم همچنان روش‌های تاریخ گذشته را ملاک کار قرار می‌دهیم و چندان به نگرش‌های تازه در باب تولید مستندهای پرتره توجه نمی‌کنیم اما از جوانان این مملکت انتظار داریم که خاموش بنشیند و به روایت قصه تخت و حوصله سربر ما با دقت گوش فرا دهند.

مهم‌ترین فیلم در میان آثار پرتره، «ضندقهرمان» اثر عارف افشار بود که در بخش‌هایی موفق و در قسمت‌هایی نه‌چندان امیدوارکننده عمل کرد. صادق خلخالی در آذرماه سال ۱۳۸۲ از این دنیا رفت ولی آثاری که از خود در تاریخ جمهوری اسلامی برجای گذاشت هنوز زنده است و با مرگ این معمم از بین نرفته است. حاکم شرع دادگاه انقلاب به‌فدری در انجام مسئولیتش سختگیر بود که با احکامش حسابی نظام برآمده از انقلاب را در ادامه درگیر پاسخگویی به این و آن کرد. عارف افشار -که در مسیر ساخت ضندقهرمان با موانع بسیاری دست‌وپنجه نرم کرده- تازیدید درستی به سوژه خلخالی داشته و این پدیده را با ساخت یک دوگانه میان این او و شهید دکتر بهشتی و حتی شهید قدوسی به مخاطبانشان در سالن سینما عرضه کرده است. افشار در بازنمایی این موقعیت موفق بود و به‌خوبی قطب مثبت و منفی ماجرای انقلاب در سال‌های اولیه شکل‌گیری جمهوری اسلامی را ساخته و پرداخته کرده ولی ایجاد خط‌های سؤال در ذهن بیننده در طول روایت این ماجرا و عدم پاسخ به آن به‌گونه‌ای بود که به کلیت ساختمان اثر ضربه سختی وارد آورد. فیلم به‌غایت ضدخلخالی و به‌شدت طرفدار شهید بهشتی است ولی در بازل‌های این معمای برتعلیق جای امام خمینی(ره) و آیت‌الله خامنه‌ای خالی است.

جای خالی اتفاقات سال گذشته مشهود بود

رسالت مستندساز این است که بتواند انعکاس خوبی از وقایع مربوط به جامعه خویش ارائه دهد و نگاه دقیق و همچنین وسیعی نسبت به اتفاقات روز داشته باشد. ۱۴۰۳ سالی است که آینده‌اش قطعاً از آن به‌عنوان یکی از نقاط عطف تاریخ ایران یاد خواهند کرد و بارها به آن ارجاع خواهند داد ولی مستندساز ما با وجود اطلاع از این مسئله تقریباً با بی‌تفاوتی از کنار سیل حوادث گذشت و به امور دیگر روی خوش نشان داد! اموری که درمسری برای وی نداشته باشد و او بتواند به ادامه کار فیلمسازی در وطنش ادامه دهد. برای مثال مسئله جراحی اقتصادی در اوایل دولت شهید رئیسی و سیر ادامه‌دار آن در دولت‌های سابق و لاحق، سقوط هواپیمای حامل رئیس‌جمهور، وزیر امور خارجه و دیگر همراهان، عملیات وعده صادق، انتخاب مسعود پزشکیان در نیمه اول سال به‌عنوان رئیس‌جمهور دولت چهاردهم و... جای کار داشت ولی به‌جز مورد سقوط هواپیمای شهید رئیسی که در فیلم «پرواز در مه» توسط یکی از مدیران فرهنگی منصوب دولت سیزدهم به آن پرداخته شد در دیگر موارد خبری از اشاره فیلمسازان به مسائل حساس روز نبود. این اتفاق از دو حال خارج نیست یا آن‌ها به خاطر سیل اتفاقات سیاسی قطب‌نمای شناختی‌شان را از دست داده‌اند که در آثارشان هیچ اشاره‌ای به مسائل روز نمی‌کنند یا ممیزی و سانسور به‌حدی جدی است که فیلمسازان عطای بررسی این موارد در فیلم‌هایشان را به لقایش بخشیده‌اند. در فرض اول، با وجود اینکه می‌توان به مستندساز حق داد ولی مسئولیت نساختن فیلم در مورد امور مهم همچنان به گردن اوست ولی در مورد فرض دوم تبعات تولید نکردن آثار روز به گردن مدیران ارشاد، به‌ویژه دبیران جشنواره سینما حقیقت و مدیران مرکز گسترش سینمای مستند، تجربی و پویانمایی است که هر سال نوید برگزاری جشنواره‌ای پویا، جدی و جسور را به مدعوین و تماشاگران می‌دهند و ولی پس از پایان فستیوال ما را با علامت سؤال‌هایی که در ذهن ایجاد شده‌اند تنها می‌گذارند.

«فرهیختگان» جزئیاتی از حامیان مالی سازندگان آثار جشنواره «سینما حقیقت» را بررسی می‌کند

مستندسازها از کجا می‌آیند

مریم قضائلی
خبرنگار گروه فرهنگ

هجدهمین جشنواره سینما حقیقت در شرایطی به پایان می‌رسد که شهر تهران بعد از چند روز آلودگی شدید هوا و دود، شاهد بارش نم‌بارانی از آسمان بود. در این شرایط، علاقه‌مندان به سینمای مستند به پردیس سینمایی چارسو پناه آوردند تا از فضای آلوده شهر فاصله بگیرند. سال گذشته گزارشی را در خصوص مشترک سازمان‌ها و نهاد در جشنواره سینما حقیقت نوشتیم و گفتیم نیمی از ۲۱ مستند بلند این دوره، با مشترک یا توسط مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی ساخته شده است. آمار این مرکز در بخش مستندهای نیمه‌بلند و کوتاه کمتر است، با این حال کمتر شاهد حضور مستندسازان مستقل هستیم. نکته جالب در این بخش غزه به عنوان بخش خارج از مسابقه است که ۵ مستند حضور داشتند و این آثار ساخت کشورهای بلژیک، آمریکا، فلسطین، ایتالیا، فرانسه، کانادا، ایرلند و قطر بودند. اگر به این لیست نگاه کنید، حوزه هنری با مستند و سازمان رسانه‌ای اوج با مستند، حضور پررنگی در این جشنواره داشتند. اما جشنواره امسال به‌رغم افزایش حضور تولیدات مستقل، در برخی موارد نتوانست انتظارات مخاطبان را برآورده کند. با این حال، مرکز گسترش سینمای مستند نقش قابل‌توجهی در حمایت از آثار داشت و سهم بالایی در تولیدات بخش ملی ایفا کرد. در بخش بین‌المللی نیز، تولیدات مستقل پررنگ‌ترین نقش را ایفا کردند و مشترک نهادهای حامی نسبت به بخش ملی کمتر بود. به طور کلی، جشنواره هجدهم سینما حقیقت نشان‌دهنده تعامل رو به رشد فیلم‌سازان مستقل و افزایش تنوع نهادهای مشترک‌کننده در تولید مستندها بود.

بخش ملی جشنواره

در بخش مسابقه ملی جشنواره، مستندها در سه دسته‌بندی کوتاه، نیمه‌بلند و بلند با مجموع ۶۷ اثر به رقابت پرداختند. یکی از ویژگی‌های شاخص امسال، افزایش تعداد مستندهایی بود که به صورت مستقل و بدون حمایت نهادها و ارگان‌های رسمی در جشنواره شرکت کرده بودند. این رشد حضور مستقل‌ها، به‌ویژه در بخش مستندهای کوتاه مشهود بود، جایی که ۴۵٫۵ درصد از آثار کوتاه به تولیدات مستقل اختصاص داشت. با این حال، در مستندهای نیمه‌بلند و بلند، حضور تولیدات مستقل کاهش یافت، به طور کلی، ۱۷ مستند مستقل در بخش ملی جشنواره شرکت کردند که حدود ۲۵ درصد از کل آثار این بخش را شامل می‌شود.

یکی از بازیگران کلیدی جشنواره، مرکز گسترش سینمای مستند، تجربی و پویانمایی بود که به عنوان یکی از مهم‌ترین نهادهای سینمایی ایران تحت نظر سازمان سینمایی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی فعالیت می‌کند. این مرکز علاوه بر مسئولیت مستقیم برگزاری جشنواره سینما حقیقت، نقش عمده‌ای در حمایت از تولید مستندها ایفا کرد. در بخش مستند کوتاه، ۷ ۲۲ درصد آثار با حمایت این مرکز تولید شده‌اند. در بخش مستندهای نیمه‌بلند، سهم این مرکز به ۴۵ درصد افزایش یافته است و در بخش مستندهای بلند نیز، ۲۸ درصد از آثار با مشترک این مرکز ساخته شده‌اند. درمجموع، ۲۲ اثر از آثار بخش ملی که معادل ۳۳ درصد می‌شود، با کمک این مرکز تولید شده است. علاوه بر این، حدود ۴۲ درصد از آثار حاضر در بخش ملی با همکاری سایر نهادها و ارگان‌های مختلف به نتیجه رسیده‌اند. این نشان می‌دهد تنوع نهادهای حمایتی نسبت به سال گذشته بیشتر شده است.

بخش بین‌المللی جشنواره

در بخش بین‌المللی جشنواره، مستندها نیز در سه بخش کوتاه، نیمه‌بلند و بلند دسته‌بندی شدند و درمجموع ۴۶ اثر در این بخش حضور داشتند. جالب توجه این است که برخی از این مستندها به‌صورت مشترک در بخش ملی نیز شرکت داده شده‌اند. در بخش بین‌الملل، بار اصلی تولید مستندها بر دوش خود فیلم‌سازان بوده است. برخلاف بخش ملی، نهادها و ارگان‌های مشترک‌کننده در این بخش بسیار محدود بودند و تنها تعداد کمی از مستندها با همکاری نهادهای دیگر تولید شده‌اند. درمجموع، ۵۵ درصد از تولیدات بخش بین‌الملل به صورت کاملاً مستقل ساخته و ارائه شده‌اند.

سازندگان آثار جشنواره سینما حقیقت

مسابقه ملی بخش مستندهای کوتاه

۲۲ مستند کوتاه	تعداد آثار
مشترک با مرکز گسترش سینمای مستند، تجربی و پویانمایی	۵
مستقل	۱۰
مشترک با استودیو ستاره هشت	۱
مشترک با خانه هنری رسانه‌ای دیما	۱
مشترک با مرکز مستند سوره و حوزه هنری انقلاب اسلامی هرمزگان	۱
مشترک با انجمن سینمای جوانان ایران	۱
مشترک با کانون صبا	۱
مشترک با مرکز مستند روایت فتح	۱
مشترک با گروه مستند شبکه سه سیما	۱

مسابقه ملی بخش مستندهای نیمه بلند

۲۰ مستند نیمه بلند	تعداد آثار
مشترک با مرکز گسترش سینمای مستند، تجربی و پویانمایی	۹
مشترک مرکز گسترش سینمای مستند، تجربی و پویانمایی با مرکز هنری رسانه‌ای نهضت	۱
مشترک با مؤسسه فرهنگی هنری مهرآوران اندیشه باور	۱
مستقل	۳
مشترک با حوزه هنری خراسان رضوی، محصول مرکز مستند سوره	۱
مشترک با صدا و سیمای مرکز کرمان	۱
مشترک با شبکه مستند	۱
مشترک با مرکز مستند سفیر فیلم	۱
مشترک با هانا فیلم استودیو	۱
مشترک با حسینیه هنر یزد	۱

استادان

۵ مستند	تعداد آثار
مستقل	۵

مسابقه ملی بخش مستندهای بلند

۲۵ مستند بلند	تعداد آثار
مشترک با اچ‌آی‌بی فیلم	۱
مشترک با مرکز گسترش سینمای مستند، تجربی و پویانمایی	۷
مشترک با بنیاد حفظ و نشر آثار شهید حاج‌قاسم سلیمانی	۱
مشترک با چهرداد فیلم	۱
مستقل	۴
مشترک با بنیاد شون فومنی	۱
مشترک با بنیاد علی اکبر صادقی	۱
مشترک با مرکز تولیدات هنری رسانه‌ای مدار	۱
مشترک با ارس فیلم	۱
مشترک با مرکز سیمای استان‌ها	۱
مشترک با مرکز مستند سوره	۲
مشترک با سازمان هنری رسانه‌ای اوج	۱
مشترک با خط سوم هنر	۱
مشترک با کانون فیلم آهنگ تصویر	۱
مشترک با گروه مستند مرکز بسیج صداوسیما	۱

مسابقه بین‌الملل بخش مستندهای نیمه بلند

۱۲ مستند	تعداد آثار
مشترک با مرکز گسترش سینمای مستند، تجربی و پویانمایی	۱
مستقل	۱۰

مسابقه بین‌الملل بخش مستندهای بلند

۱۴ مستند	تعداد آثار
مستقل	۱۱
مشترک با ارس فیلم	۱
مشترک با مرکز گسترش سینمای مستند، تجربی و پویانمایی	۱
مشترک با بنیاد علی اکبر صادقی	۱

جایزه شهید آوینی

۲۶ مستند شهید آوینی	تعداد آثار
مشترک با مرکز هنری رسانه‌ای نهضت	۱
مشترک با خانه تولیدات جوان مرکز سیمرغ	۱
مشترک با صداوسیمای استان همدان	۱
مستقل	۵
مشترک با مرکز مستند سوره	۲
مشترک با مرکز مستند سفیر فیلم	۲
مشترک با مرکز گسترش سینمای مستند، تجربی و پویانمایی و سازمان هنری رسانه‌ای اوج	۲
مشترک با سازمان هنری رسانه‌ای اوج	۲
مشترک با گروه مستند روایت فتح	۱
مشترک با مرکز مستند حقیقت	۲
مشترک با مرکز گسترش سینمای مستند، تجربی و پویانمایی	۲
مشترک با سازمان هنری رسانه‌ای اوج	۱
مشترک با مرکز تولیدات هنری رسانه‌ای مدار	۱
مشترک با گروه مستند روایت فتح	۱
مشترک با اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی یزد	۱
مشترک با اداره مرکزی رسانه سرایا السالم (عراق)	۱
مشترک با مرکز مستند سوره و روایت فتح	۱

مسابقه بین‌الملل بخش مستندهای کوتاه

۲۰ مستند	تعداد آثار
مستقل	۱۷
مؤسسه سمعی و بصری بعد	۱
مشترک با گروه مستند شبکه سه سیما	۱
مشترک با انجمن سینمای جوانان ایران	۱

از نقطه صفر: داستان‌های ناگفته‌ای از غزه

۲۲ نمایش ویژه غزه	تعداد آثار
مستقل	۲۲

مسابقه بین‌الملل بخش غزه، فلسطین و مقاومت

۲۳ مستند	تعداد آثار
مستقل	۲۱
مشترک با خانه تولیدات جوان مرکز سیمرغ	۱
مشترک با واحد مستند شبکه بین‌الملل پرس تی‌وی	۱

نمایش‌های ویژه بخش بین‌الملل

۶ مستند	تعداد آثار
مستقل	۶

پرتره

۴ مستند	تعداد آثار
مستقل	۴

نمایش‌های ویژه بخش ملی

۳ مستند	تعداد آثار
مشترک با مرکز گسترش سینمای مستند، تجربی و پویانمایی	۲
مشترک با مرکز فیلم تصویر	۱

خارج از مسابقه بخش ملی

۷ مستند	تعداد آثار
مشترک با مؤسسه خورشید فیلم اصفهان	۱
مشترک با مرکز گسترش سینمای مستند، تجربی و پویانمایی	۱
مشترک با مرکز مستند سوره با همکاری حوزه هنری سیستان و بلوچستان	۱
مشترک با خانه فیلم افرا	۱
مشترک با خانه هنرمندان امروز	۱
مستقل	۱
مشترک با مرکز همکاری‌های تحول و پیشرفت ریاست‌جمهوری	۱

در انتظار یک رستاخیز

حدیث ملاحسینی
خبرنگار

یکی از وظایف و رسالت‌های مهم سینمای مستند، پرداختن به مسائل و دغدغه‌های اجتماعی روز به شکلی واقع‌گرایانه و تلنگر زدن به مخاطب در این راستا است. انجام این رسالت بدون شک در جامعه‌ای مانند جامعه ایران که آبستن تحولات اجتماعی زیادی است و هر لحظه با مسائل عدیده‌ای روبه‌رو می‌شود، با نقصان‌ها و کاستی‌هایی جدی همراه است. برای تشریح و توضیح این وضعیت، می‌توان مسائل اجتماعی روز را به خرگوش‌هایی تیز با تشبیه کرد که بسیار دیر به دام تحلیلگران آن می‌افتد و زمانی هم که می‌افتند، اغلب از حیز انتفاع خارج شده‌اند. چنین مشکلی در «سینما حقیقت» به اشکال مختلفی خود را نشان می‌دهد.

با نگاهی به لیست فیلم‌های اکران‌شده، متوجه می‌شویم مستندهای کمی درباره مسائل اجتماعی جاری وجود دارد و آن تعداد انگشت‌شماری هم که تولید شده، عموماً به لحاظ پرداخت در سطح ابتدایی قرار دارند. بدین معنا که در بهترین و خوشبینانه‌ترین حالت، می‌توان این مستندها را نوعی مقدمه و پیش‌گفتار بر یک مسئله اجتماعی خاص در نظر گرفت و نه یک پرداخت تفصیلی و ژرف به آن.

به نظر می‌رسد جشنواره بین‌المللی فیلم مستند ایران علی‌رغم عنوان برطمطراق چندان تاب و توان حمل بار گران مسائل اجتماعی کشور را ندارد. چنین نقدی البته صرفاً به سینما حقیقت سال ۱۴۰۳ برنمی‌گردد؛ چراکه جشنواره امسال را از این منظر خاص نمی‌توان منفک از جشنواره‌های پیشین دانست؛ به این دلیل که هر فرد برای به تصویر کشیدن عمیق و تأثیرگذار یک سوژه اجتماعی نیازمند آن است که به روی شانه‌های پیشینیان خود به‌درستی ایستاده باشد. به عبارت دیگر، وقتی این نکته و پرسش را به پیشینیان ما در این زمینه کم‌کاری کرده‌اند و به جای دنبال کردن به‌موقع آن خرگوش تیزپا در خواب خرگوشی به سر می‌بردند، فیلمسازان امروز هم بالطبع با انبوهی از حرف‌های ناگفته‌ای مواجه می‌شوند که یا از خیر پرداختن به آن می‌گذرند و یا می‌خواهند در یک ساعت و چند دقیقه تمامی ظرافت‌ها و پیچیدگی‌های